

# Dari-svensk ordlista

Förklaringar av ord och begrepp som ofta används på Migrationsverket.  
Orden och begreppen kan ha en annan innebörd i andra sammanhang.  
Senast uppdaterad 130518.

Ordlistan är framtagen av Migrationsverkets projekt ”Tolka mig rätt – att öka kvaliteten i mötet med den sökande”, i samarbete med tolkar. Läs mer om projektet på [Migrationsverkets webbplats](#) (endast på svenska).

## فهرست لغات سویدی – دری

توضیح لغات و اصطلاحات که در اداره مهاجرت به کثرت مستعمل میباشند. لغات و اصطلاحات در دیگر قرینه شاید دیگر مفهوم داشته باشند.

فهرست لغات از پروژه اداره مهاجرت بنام "ترجمانی به شکل درست – افزایش کیفیت در جریان مصاحبه با عارضین" اقتباس گردیده. تجدید بار آخر بتاريخ ۱۶-۵-۲۰۱۴.

### Svenska

### Dari

Alternativ skyddsstatusförklaring	قبولی پناهندگی جایگزین دلایل امنیت جانی
Alternativt skyddsbehövande	جایگزین مستلزم حفاظت جانی؛ بدیل نیازمند امنیت جانی
Anförda asylskäl	دلایل ارائه شده پناهندگی
Asylutredning	تحقیق پناهندگی، تحقیق درخواست پناهندگی
AT-UND	جواز کار به استثنای جواز اقامت، جواز کار در هنگام انتظار به جواب درخواست پناهندگی
Avviken	متخلف؛ غایب و حضور نیافتن در ملاقات معینه
Avvisning	فیصله منفی؛ جواب رد اقامت
Belastningsregister	دفتر ثبت جرائم و مجازات، اداره ثبت سوانح اخلاقی
Beteckningsnummer, dossiernummer, dossnummer, LMA-nummer eller ärendenummer	شماره مشخصه، شماره دوسیه، نمبر دوسیه؛ شماره سجل
Bevisbörda, bevisningsskyldighet	وظیفه اثبات و ثبوت، مسئولیت اثبات ادعا
Bifall	موافقت؛ تائید؛ منظور

Databas	بانک معلومات کمپیوتری، مرکز معلومات کمپیوتری
Dublinförfrågan	پرسشنامه دبلین، استعلام دبلین
Dublinförordningen	اساسنامه دبلین، تنظیمنامه دبلین، لایحه دبلین
Familjeanknytning	باز پیوست اعضای خانواده، به هم پیوستن افراد خانواده
Familjebild	نمای افراد خانواده، مشخصات خانوادگی، مشخصات اعضای خانواده
Flyktingstatusförklaring	اعلام پناهندگی مطابق مصوبه سازمان ملل متحد، صدور پناهندگی مطابق با فیصله نامه سازمان ملل
Folkbokföring	ثبت احوال نفوس
Folkgrupp/ethnicitet	ملیت؛ قوم
Främlingspass	پاسپورت اتباع بیگانه، پاسپورت اتباع خارجی
Första asylland	اولین کشور پناهندگی
Förvaltningslagen	قانون امور اداری
Förvar	توقیف
God man	نایب ولی - کسیکه به نیابت پدر یا مادر گماشته شود
Handläggare	کارمند اجرائیه، مامور اجرائیه
Hemvist	کشور متبوع؛ محل سکونت اصلی
Hushållsgemenskap	مشارکت زندگی خانوادگی
Identitet	هویت
inhibition	تعطیل اجراء، تأخیر تنفیذ
Inlaga	نامه وکیل؛ مکتوب
Medborgarskap	تابعیت، تبعیت
Minderårig	زیر سن، کم سن، خوردسال، نابالغ
Nöjdförklaring	ابراز رضایت؛ قناعت
Obstruktion	جلوگیری، ممانعت؛ کارشکنی، مشکل تراشی
Offentlighets- och sekretesslagen	قانون علنییت و اسرار
Offentligt biträde	وکیل امور پناهندگی، وکیل حقوقی

Ombud	وکيل؛ نماينده
Omedelbar avvisning	اخراج فوری از کشور
Praktik	دوره کارآموزی، دوره کار یادگیری؛ کار عملی، کار تطبیقی
Preskription av ett av- eller flera utvisningsbeslut	لغو یک یا چندین فیصله منفی و ترک کشور، باطل شدن یک یا چند پاسخ رد و اخراج از کشور
Process	جریان؛ مرحله؛ پروسه
Prövningstillstånd	درخواست استیناف، درخواست رسیدگی به تجدید شکایت
Resedokument RD	جواز سفر سیاسی
Rättighet	حق، حق قانونی؛ حقوق
Rättsligt ställningstagande	موضعگیری حقوقی، اتخاذ موقف حقوقی و قضایی
Sanningsplikt	وظیفه راستگویی
Sannolik/sannolikt	به احتمال قریب به یقین
Sekretess	رازنگهداری، اسرار نگهداری؛ راز، سِر
Självmant återvändande	با رضایت خود بازگشت به کشور، بازگشت به کشور با رضایت خویش
Skyddsbehövande	مستلزم حفاظت جانی، نیازمند مصئونیت
Skyldighet	وظیفه، وجبیه، مکلفیت؛ مسئولیت
Smugglare/människosmugglare	قاچاقبر، قاچاقبر انسان
Styrka/styrkt	اثبات کردن، ثبوت کردن
Synnerligen ömmande omständigheter	شرایط مهم عاطفی؛ دلایل بشردوستانه
Säkert tredjeland	کشور سوم امن
Tidsfrist	مهلت نهایی، ضرب الاجل
Tjänsteman	کارمند، مامور
Tystnadsplikt	وظیفه رازنگهداری، وظیفه و مکلفیت اسرار نگهداری
Underlag	زیر بناء، اساس
Uppsikt	نظارت، نظر و مراقبت

61	Utlänningslagen	قانون اتباع بیگانه، قانون اتباع خارجی
62	Utvisning	رد، منفی؛ پاسخ منفی، جواب رد و ترک کشور
63	Verkställighet av beslut	اجرای فیصله، انفاذ فیصله، تنفیذ تصمیم
64	Verkställighetshinder	موانع اجرای تصویب، موانع تطبیق فیصله؛ موانع عملی کردن فیصله یا حکم
65	Vinna laga kraft	فیصله یا حکم اجراء شدن، فیصله یا حکم عملی شدن
66	Vistelse	رہایش، زندگی، سکونت
67	Vårdnadshavare	سرپرست، حاضن؛ ولی، قیم
68	Välgrundad ansökan	درخواست اصولی، تقاضای اساسی
69	Yrka	درخواست کردن، خواستن؛ مطالبه کردن، طلب کردن
70	Yttrande	نظر، بیان؛ ابراز نظر، بیان مطلب
71	Åberopa	دلیل و انگیزه را یاد کردن، به دلایل و علل استناد کردن
72	Återetableringsstöd	مدد مالی استقرار دوباره در کشور، مساعدت بازگشت و سکونت در میهن
73	Återreseförbud	منع بازگشت به کشور؛ ممنوع ورود
74	Återtagande	واپسگیری درخواست پناهندگی، پس گرفتن تقاضای پناهندگی؛ ارجاع پناهنده به کشور اولیه یا قبلی
75	Återvändandedirektiv	دستورات بازگشت به کشور، احکام عودت به میهن
76	Överklagande	استیناف، تجدید رسیدگی به شکایت
77	Övrig skyddsstatusförklaring	صدور پناهندگی به خاطر دلایل متفرقه امنیت جانی
78	Övrigt skyddsbehövande	مستلزم حفاظت جانی به خاطر دلایل متفرقه، نیازمند امنیت جانی به علت سایر دلایل